

واکاوی عوامل تاثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه نشینان در سکونت گاه های غیررسمی

علی حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی عمران، گرایش راه و ترابری، موسسه آموزش عالی صائب، ابهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی حیدری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۵

چکیده

آسیب های اجتماعی از مهم ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می روند و سکونتگاه های غیررسمی ازجمله مستعدترین مکان های شهری برای بروز ناامنی اجتماعی هستند. این نواحی دارای چالش های متعددی از جمله آسیب پذیری، جرائم، ناامنی، نبود عدالت فضایی و اجتماعی، اقتصادی و محیطی هستند که باعث گسترش ناامنی اجتماعی در شهرها خواهند شد. از آنجا که حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی خاص کشور ما نیست، تلاش های مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاش ها از یک جهت در پی نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی این اجتماعات است و در سوی دیگر بدنبال ارائه مسکن، امکانات و شرایط زندگی به آنان بوده است. حاشیه نشینان کسانی هستند که در شهرها زندگی می کنند ولی به دلیل مجموعه عواملی نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی، اجتماعی شهر شوند و به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره مند گردند. حاشیه ها اغلب دارای فرهنگ نابارور بوده و به مناطق جرم خیز و مشکل زا تبدیل می شوند. نظریه پردازان غربی اعتقاد دارند حاشیه نشینی عوارض جانبی گذار جوامع سنتی به سوی جوامع صنعتی و شهری است. امنیت اجتماعی بحث گسترده ای است که مطالعه آن در مناطق حاشیه نشین نیاز به مطالعه حوزه های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری دارد از اینرو پژوهش حاضر در صدد آن است که این موضوع را بصورت همه جانبه در مناطق حاشیه نشین مورد بحث و بررسی قرار داده و راه کارهایی برای آن پیشنهاد نماید.

واژگان کلیدی: سکونتگاه های غیررسمی، امنیت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، حاشیه نشینی.

مقدمه

احساس امنیت اجتماعی یکی از مولفه های مهم توسعه و پیشرفت هر جامعه ای است و پیش نیاز هر نوع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی می باشد. آگاهی از وضعیت امنیت و احساس امنیت در یک جامعه نقش موثری در شناخت چالش ها و راهکارهای ایجاد توسعه پایدار دارد. این پدیده روانشناختی و اجتماعی دارای ابعاد گوناگونی است. به لحاظ روش شناختی احساس امنیت ابعاد گوناگونی دارد و در ارتباط با شرایط اجتماعی زیسته افراد مختلف به گونه ای متفاوت ظهور پیدا می کند و در اشکال مختلف هم قابل سنجش و اندازه گیری است. برخی صاحب نظران احساس امنیت اجتماعی را لازم ترو واجب تر از وجود خود امنیت می دانند چرا که ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد اما مردم احساس امنیت را بنا به دلایلی نداشته باشند که این باعث ایجاد اختلال در روند جامعه و ایجاد ناامنی روانی می شود. در هر صورت امنیت با تمامی ابعاد آن نقش مهمی در بقا و بالندگی هر جامعه و ملتی دارد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهرنشینی است که سالهاست مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفته است. حاشیه نشینی نوعی سکونت است که مردم در مجاورت شهر سکونت دارند و از حداقل امکانات و خدمات برای زیست برخوردارند. اگرچه ما با انواع حاشیه نشینی و درجه های متفاوت نابرخورداری از خدمات و امکانات در مناطق حاشیه نشین روبرو هستیم، اما آنچه در تمامی این مناطق دیده می شود پس زدگی و جدا افتادگی آنها از محیط های متعارف شهری است. افزایش سریع شهرنشینی بدون همراهی رشد و توسعه شاخص های اقتصادی و اجتماعی لازمه شهرنشینی پایدار، شهرها را با مشکلات و معضلات عدیده ای مواجه کرده است. یکی از این معضلات پدیده حاشیه نشینی است [1]. حاشیه شهرها با ویژگی هایی مانند کیفیت پایین زندگی، وضعیت نامساعد مسکن، تراکم بالای جمعیت و خدمات نازل شهری، و حاشیه نشینان با ویژگی هایی مانند سطح سواد پایین، بیکاری، درآمد پایین و... روبرو می باشند. با توجه به گسترش حاشیه نشینی در کشور نیاز به بررسی یکی از مهمترین مسائل اجتماعی یعنی امنیت و واکاوی ابعاد آن در میان حاشیه نشینان است. با توجه به گسترش مهاجرت به شهرها در دهه های اخیر و از جمله مهاجرت به شهرهای بزرگ و عدم توانایی شهرها از یک طرف و نداشتن مهارت های مهاجرین از طرف دیگر به شکل گیری مناطق حاشیه ای در کنار شهرهای بزرگ از جمله تهران و دیگر کلانشهرها منجر شده است، این افراد که به دلیل محرومیت های مختلف از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی روانه شهرها شده اند، در شهرها نیز با توجه به دلایل ذکر شده در بالا بسیاری از آنها قادر به رفع محرومیت از زندگی خود نیستند، و از طرفی محرومیت در شهرها بر خلاف محرومیت در روستا افراد را با توجه به نزدیکی حاشیه ها به شهرها و تردد بیشتر این افراد برای کار و فعالیت به مراکز شهر ها که مظهر امکانات، داشته ها، شهرت و... هستند آشنا می سازد و احساس محرومیت در این افراد به دلیل ایجاد امکان مقایسه با امکانات شهرها افزایش می یابد و احساس سرخوردگی ناشی از آن می تواند این افراد را به سمت دسته ها و گروه های ناهنجار کشانده و از طرفی تقاضاهای انباشته شده و عدم پاسخگویی به آنها این مناطق را مستعد شورش و نا آرامی و پر خاشگری می کند و فضا را برای رفتارهای جمعی آماده می سازد و در صورت برآورده نشدن تقاضاهای این مناطق به صورت منطقی می تواند محملی برای نخبگان قوم گرا با توجه به بافت جمعیتی آن باشد و یک موضوع اجتماعی را به موضوعی سیاسی تبدیل کرده و امنیت داخلی کشور را مورد تهدید قرار دهد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است. از آنجا که حاشیه نشینی خاص کشور ایران نیست، تلاش های مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاش ها را می توان بصورت یک پیوستار در نظر گرفت که در یک سوی آن نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی و پراکنده کردن این اجتماعات است و در سوی دیگر تلاش برای ارائه مسکن، امکانات و شرایط زندگی به آنان است. حاشیه نشینی را می توان یک مساله و عارضه شهری بشمار آورد که منبع اصلی بزهکاری و جرم است. افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می گردند آمارها نشان می دهد بخش عمده ای از جرایم و آسیب های اجتماعی شهرها با محلات حاشیه نشین در ارتباط است [2]. و ضریب امنیت اجتماعی پایینی را داراست. حال این سوال پیش می آید. چه عواملی باعث تشدید آسیب های اجتماعی و تهدید امنیت اجتماعی در محلات حاشیه نشین می شود؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به مطالعات گوناگون درمی یابیم که رابطه معناداری میان سکونت در محله های حاشیه نشین و گرایش به انحراف و بزهکاری وجود دارد. جرائم شهری هزینه های بسیار گزافی را در سطوح فردی، اجتماعی و ملی به وجود می آورد. از سوی دیگر کیفیت امنیت اجتماعی یکی از مهمترین شاخص های ارزیابی کیفیت زندگی است؛ به طوری که هرچه میزان امنیت اجتماعی پایین باشد، آسایش و آرامش شهروندان نیز کمتر خواهد بود؛ بنابراین، بیشتر ساکنان سکونتگاه های غیررسمی، با احساس ناامنی و نارضایتی از کیفیت زندگی مواجه هستند. گفتنی است جرم یکی از مسائل اصلی تهدیدکننده کیفیت زندگی شهری است؛ به همین دلیل افراد از مکان هایی که با خطر شخصی و جانی توأم است دوری می کنند [2]. نکته مهم درباره امنیت سکونتگاه های غیررسمی این است که در صورت کنترل نکردن جرائم و ناهنجاری ها در این سکونتگاه ها، این مسائل به سایر نقاط شهر نیز گسترش خواهد یافت؛ در حالی که می توان با برخی اقدامات پیشگیرانه از بروز بسیاری جرائم جلوگیری کرد؛ بنابراین، ضروری است وضعیت این گونه سکونتگاه ها بررسی، و راهکارهای مناسب برای آنها پیشنهاد شود. فرضیه اصلی پژوهش بر وجود ارتباط میان خصوصیات محیطی سکونتگاه های غیررسمی و وضعیت امنیت در آنها مبتنی است؛ از اینرو تلاش می شود تا با ارزیابی معیارهای امنیت محیطی، اصلی ترین عوامل مهم برای ارتقای امنیت سکونتگاه های غیررسمی شناسایی شود؛ در این صورت می توان انتظار داشت در فرایند ساماندهی این گونه سکونتگاه ها، بر اولویت های امنیت بخشی متناسب با وضعیت خاص هر سکونتگاه تأکید می شود [3].

پیشینه تحقیق

در دهه های اخیر، مطالعات و پژوهش های متعددی درباره رابطه جرم و مکان صورت گرفته که در آنها بر ارتباط مستقیم ویژگی های کالبدی محیط بر وقوع جرائم و ناهنجاری های اجتماعی تأکید شده است. در این میان، سکونتگاه های غیررسمی و بافت های فرسوده به منزله یکی از کانون های اصلی بروز اینگونه ناهنجاری ها، همواره مد نظر پژوهشگران بوده است؛ برای مثال لافون و میشو در سال ۱۹۷۶ پژوهش هایی در شهر گرونویل فرانسه انجام دادند و به روشنی مشخص کردند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان های ناسالم و برخی از محله هایی بوده اند که برای سلامتی اخلاق زیان آور است. با توجه به این پژوهش ها درمی یابیم که بزهکاری جوانان در این محله ها و ساختمان های مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیادتر بوده است. درواقع، ۱۸ درصد بزهکاران جرائم گوناگون اغلب در محله های مخروبه و ناسالم، و ۳۵ درصد آنها در ساختمان ها و محله های بدنام و فاسد ساکن بوده اند. پژوهشگران نیز درنهایت بر رابطه محیط سکونت و بزهکاری تأکید می کنند. هاجزمایر^۱ با بررسی وضعیت مشکلات سکونتگاه های غیررسمی در آفریقای جنوبی اعتقاد دارد به دلیل حمایت ناکافی دولت و مسئولان شهری در تأمین حقوق شهروندی برای ساکنان حاشیه نشین، مسائلی مانند بزهکاری، فقر، بیکاری، دسترسی نداشتن به فرصت های زندگی، گریز از قانون و مشارکت نکردن در طرح ها و برنامه های بهسازی و مشارکتی به عادت روزانه زندگی آنها تبدیل شده است. خاستگاه حاشیه نشینی، کشورهای صنعتی جهان است. بسیاری از شهرها معروف کشورهای پیشرفته جهان هنوز بخش محدودی از جمعیت خود را در میان زاغه ها، خرابه ها، گتوها نگهداری می کنند. براساس گزارش هیئات^۲ (سال ۲۰۰۰) سه میلیارد از ساکنان شهری در سراسر جهان در مناطق حاشیه ای شهرها زندگی می کنند (۲۳ تا ۸۵٪ جمعیت شهری طبق آمار سال ۱۹۸۶ کمیته اسکان بشر) و حسب مطالعات بعمل آمده توسط سازمان بهداشت جهانی و یونسف که در سال ۲۰۰۰ بر روی ۱۲۹ شهر بزرگ جهان انجام گردید رابطه مستقیم بین رشد بالای جمعیت با سطح و زمینه حاشیه نشینی کاملاً مشخص گردید. اما عارضه حاشیه نشینی در کشورهای جهان سوم به علت ساختار اقتصادی حاکم، نمود بیشتری دارد. زیرا دو گانگی در نظام اقتصاد سر ما یه داری به افراد کم در آمد، امکان سکونت در محلات مناسب و معمول تقاضای شهری را نمی دهد و آنان را به نواحی پست شهرها می راند و علاوه بر تأثیر نظام اقتصادی، شرایط طبیعی حاکم بر کشورهای مختلف نیز، موجب پیدایش انواع مسکن نا متعارف با اشکال گوناگون آن گردیده و بر حسب سیمای ظاهری، نام های متفاوتی را در ادبیات حاشیه نشینی جهان

¹ Hannes Meyer

² Habitat

بوجود آورده است. از جمله می توان به «کبراد کارکاس^۳» در ونزوئلا، «بیدون ویل^۴» پاریس در فرانسه، «سلوم آریا^۵» لندن در انگلستان، گتونشینان هارلم نیویورک در آمریکا، شنتی تاون آمریکای جنوبی، مترونینان در شهرهای اروپایی، زورق نشینان هنگ کنگ، خانه بدوشان کلکته در هندوستان و سایر بنادر تجاری آسیای جنوب شرقی اشاره نمود. همچنین می توان زاغه نشینان فلسطینی در کنار پل زینبیه دمشق (سوریه) را ذکر کرد. فرید، در کشورهای جهان سوم نیز از یک سو اجرای برنامه های استعماری جدید که تحت عناوین مختلف در راستای فروپاشی ساختار اقتصادی-اجتماعی مطرح بوده به گونه ای عمل کرده که یکی از پیامدهای آن مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها و رشد لجام گسیخته آنها بوده است. از دیگر سوی، عدم توانایی برخی دولت ها، در تامین فرصت های شغلی و نیازهای اقتصادی جمعیتشان، موجب گردیده است که بین رشد شهرها و توسعه اقتصادی، هیچ گونه تعادل وجود نداشته باشد و بدنبال توسعه شهری، نابسامانی های در محیط زیست شهری بوجود آید که یکی از آنها پدیده «حاشیه نشینی» است. (داداشی و پهلوان پور، ۱۳۹۱)، به بررسی میزان نقش احساس امنیت و ایمنی در ایجاد بحران هویت شهری در سکونتگاه های غیررسمی شهرهای بزرگ پرداخته اند. طبق تحقیقات انجام شده بیشترین رفتارهای مجرمانه با توجه به عدم کیفیت فضاهای شهری صورت می گیرد که عدم توجه به بهبود این مناطق آن را به نقطه ای برای تمرکز بزهکاران تبدیل می کند هدف از این نوشتار آشنایی با روش های نظری هویت دهی به این مکان ها و ایجاد امنیت به کمک دانش طراحی محیطی است. (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸)، با پژوهش بر روی یکی از سکونتگاه های غیررسمی شهر اهواز بیان کردند که شاخص های اجتماعی (شامل کلاه برداری، مزاحمت های خیابانی، دزدی، اعتیاد و قاچاق) اولویت نخست ساماندهی و توانمندسازی برای محله مورد نظر است. (ایراندوست، ۱۳۹۱)، در پژوهشی بیان می کند که فقر، امنیت سکونت، بلایای طبیعی و انسان ساز، خشونت ها و شورش های شهری مسائل اصلی امنیت سکونتگاه های غیررسمی هستند. (عسگری تفرشی و همکاران، ۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان بررسی عوامل محیطی مؤثر در نوسازی بافت های فرسوده شهری به منظور افزایش امنیت محلی، عوامل مؤثر بر بروز مشکلات اجتماعی را در محله نعمت آباد تهران، نبود نظارت کافی، محصورنکردن زمین های خالی و باغ ها، وجود نقاط کور، زمین های رهاشده، نبود روشنایی کافی و مسئولیت پذیری کم ساکنان مطرح کرده اند. (عزیزیان و همکاران، ۱۳۹۳)، یکی از اثرات نامطلوب رشد سریع و نامطلوب شهرها سکونتگاه های غیررسمی است که به عنوان آئینه ی تمام نمای مسائل شهری، دارای اهمیت ویژه در تحقیقات اجتماعی می باشد. هدف از انجام این تحقیق شناسایی عوامل اقتصادی در شکل گیری مسکن حاشیه نشینان خواهد بود، در این مقاله سعی بر آن است که یک تعریف کلی و همه جانبه از حاشیه نشینی ارائه و راهکارهایی نیز جهت رفع این معضل ارائه شود. (نورایی و همکاران، ۱۳۹۲)، تحلیل امنیت در سکونتگاه های غیررسمی با تأکید بر آسیب های اجتماعی (مطالعه موردی: محله خاک سفید تهران) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می دهد کمترین میزان امنیت به دلیل تعدد آسیب های اجتماعی در اکسپرت چوئیک و نرم افزار محله خاک سفید، در قسمت میدان نواب صفوی قابل مشاهده است و وجود چنین آسیب هایی در این میدان، بر روی محدوده های اطراف آن نیز تأثیر بسیار منفیگذارده است، به طوری که این مناطق نیز به نواحی ناامنی از منظر آسیب های اجتماعی تبدیل گردیده اند و به کارگیری برنامه ای جهت بهبود بخشی وضعیت امنیت در این نقاط را ضروری نموده است. (ربانی خوراسگانی و دیگران، ۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری مسأله حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز دریافتند مهاجرت از محیط های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهمترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه نشین است که خود تحت تأثیر دافعه های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی شهر است. همچنین، در بحث پیامدهای اجتماعی مشخص شد که بین شدت حاشیه نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت، باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه نشین شده است. (کارگر، ۱۳۸۶)، در مقاله دیگر تحت عنوان تأثیرات حاشیه نشینی بر امنیت شهری، با انجام تحقیق به روشی توصیفی و جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای به این نتیجه می رسد که حاشیه نشینی به عنوان مهم ترین معضل کلانشهرها باید چاره جویی آن به طور جدی و فوری در دستور کار مدیران توسعه شهری قرار گیرد، چرا که ادامه، این روند تبعات منفی زیادی دارد که متن شهرها را تهدید می کند و توسعه و پیشرفت آنها را غیرممکن می سازد.

³ Kbrad Caracas⁴ Beydoun Will⁵ Salloum Aria

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

سکونتگاه های غیررسمی^۶ و توانمندسازی

در آغاز قرن بیست و یکم، از جمعیت بیش از ۶ میلیارد نفری جهان، بیش از ۵۰ درصد در نواحی شهری زندگی می کنند که عمدتاً با تمرکز در شهرهای میلیونی همراه است. از سوی دیگر آمار و ارقام از بدتر شدن شرایط فقر در جهان حکایت دارد. مرکز اسکان بشر ملل متحد در گزارشی تحت عنوان «چالش سکونتگاه های غیررسمی»، با اشاره به سکونت یک میلیارد نفر در سکونتگاه های غیررسمی جهان، این محلات را نمود فضایی و کالبدی فقر و نابرابری تمرکز یافته در شهرها دانست. همچنین در گزارش سال ۲۰۰۸ خود بیان می دارد که بیش از یک سوم جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه در سکونتگاه های غیررسمی به سر می برند، آمارها در ایران نیز نگران کننده است، به طوری که حدود ۲۵ درصد از افراد شهری در چنین سکونتگاه هایی که بیانگر بدترین نوع اسکان است، روزگار می گذرانند. با توجه به گستردگی حاشیه نشینی در سطح جهان و نیز در ایران در ادامه به توصیف و تبیین این پدیده و نیز تشریح نظریه های امیل دورکیم، رابرت مرتن و لی و همکارانش درباره عوامل شکل دهنده حالت های آنومیک و ناامن کننده به ویژه در این مناطق می پردازیم. این گشایش نظری درباره امنیت اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی ارتباط وثیقی با طرح های توانمندسازی و بهسازی در این مناطق خواهد داشت، به عبارت دقیق تر، توانمندسازی نسخه تجویزی امنیت اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی است [4]. توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهسازی شهری از جمله چهار شاخص اصلی در طرح های توانمندسازی محسوب می شوند. مفهوم توانمندی (قابلیت) اولین بار توسط پروفیسور آمارتیا سن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۸ مطرح گردید. سن قابلیت یا توانایی را به معنای آنچه که واقعا مردم قادر به انجام دادن آن هستند تعبیر می کند. بنابراین «چه بودن» و «چه کردن» انسان ها اهمیت محوری ندارد، آنچه اهمیت دارد توانایی بالقوه افراد است برای انتخاب متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می دهند. به عبارت بهتر وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد باید محصول یک انتخاب باشد نه اجبار. توانمندسازی مفهومی است که در بطن معنایی خود با مفاهیم دیگری همچون خودیاری، مشارکت، داشتن حق حاکمیت و همکاری های شبکه ای عجین شده است. توانمند سازی فرآیندی است که به باز توزیع منابع و قدرت جهت یاری رساندن به فقرا و آنها که از چرخه های پیشرفت بازمانده اند، یاری می رساند. توانمند سازی با تغییر ماهیت ذهنی بی قدرتی در افرادی که از چرخه های حرکت و تعالی جای مانده اند، چشم انداز جدیدی را در برابر آنها می گشاید که به رشد شناخت و تأثیرگذاری آنها کمک می نماید [5].

ویژگی های عمده سکونتگاه های غیررسمی

به طور عمده مهاجران روستایی فاقد توانمندی حرف های و تحصیلات لازم برای مشارکت در حیات اقتصادی- اجتماعی شهر و دارای اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد هستند که به طور عمده باید موضوع آسیب شناسی اجتماعی و فزونی جرم و بزهکاری یا تهدیدکننده وضعیت و امنیت نقاط شهری قرار گیرند. این سکونتگاه ها از حیث مکانی حاشیه ای هستند زیرا اغلب در پیرامون نقاط شهری و اراضی نامناسب (در معرض انواع تهدیدهای طبیعی یا دارای وضعیت مبهم مالکیت) شکل می گیرند، در نظر اقتصادی حاشیه تلقی می شوند زیرا فاقد تخصص های لازم برای جذب و فعالیت در بخش رسمی و به اصطلاح مدرن شهری شناخته می شوند. در نظر اجتماعی حاشیه ای هستند چراکه به دلیل پیشینه متصور درباره آنها امکان انطباق با فرهنگ شهری را ندارند، ازاینرو اصطلاح حاشیه نشینی دارای پیش داوری های منفی است [6].

مفهوم حاشیه نشینی^۷

در فرهنگ عمید حاشیه در لغت به معنای کنار هر چیز و کنایه از کسان و اطرافیان آمده است. اصطلاح حاشیه نشینی با تعبیری همچون اسکان غیررسمی، سکونتگاه های خودرو و زاغه نشینی تقریباً مترادف است. صاحب نظران و کارشناسان مسائل

⁶ informal settlements

⁷ Marginalization

شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده اند. برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می کنند، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنان مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند. و به تعبیری که از حاشیه نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می شود و به نظر می رسد که به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم زا بودن و نیز مأم و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود. اسکان غیررسمی، یکی از چهره های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها به ویژه شهرهای بزرگ به شکلی خودرو و فاقد مجوز ساختمان و برنامه ریزی رسمی شهرسازی، با تجملی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، اسکان غیررسمی، سکونت گاه های خودرو و نایسامان نامیده می شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه نشینی و آلونک نشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیررسمی، به تعبیری گسترده جای حاشیه نشینی و آلونک نشینی به کار می رود. از این رو اصطلاح اسکان غیررسمی شامل حاشیه نشینی و اشکال متعدد است [7]

عوامل مؤثر بر شکل گیری حاشیه نشینی

سطح کلان: در این سطح، نظریه هایی مانند نظام جهانی و وابستگی قرار دارند و به مقوله هایی چون تأثیر نظام سرمایه داری جهانی در شکل گیری شهرنشینی وابسته و پیدایش اسکان غیررسمی در کشورهای در حال توسعه می پردازند.

سطح میانی: در این سطح، نظریه نوسازی مطرح می شود. در این دیدگاه توسعه را معادل رشد در نظر می گیرد و وجود مهاجرت روستاییان برای تأمین نیروی کار شهری ضروری است و قسمتی از فرایند نوسازی به شمار می آید.

سطح خرد:

- ضعف برنامه ریزی های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه برای قشرها کم درآمد در توزیع جغرافیایی مناسب؛

- عدم پیش بینی فضای مسکونی مناسب در طرح های توسعه شهری و اعمال استاندارد های خارج از استطاعت ایشان؛

- دسترسی ناچیز به نظام رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمد ها؛

- وجود باند های قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز به موازات اعمال و ناتوانی در نظارت و پایش ساخت و سازها، به ویژه در فضای بینابینی شهرها؛

- فقدان نهادسازی برای تجمیع حمایت از قشرهای کم درآمد [8].

حاشیه نشینی جرم و ناامنی

حاشیه نشین ها جزو مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند. فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیاد افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می شوند که مجرمان به راحتی در آنجا پناه گیرند. احساس نا امنی در جامعه، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست، بلکه برخی ناهنجاری ها همچون اعتیاد، ولگردی، تگگودی و سرقت، صرف نظر از اینکه عامل صلی ترس و احساس ناامنی عمومی هستند، حتی زمینه رواج گسترده جرایم را فراهم می آورند. به همین دلیل، حاشیه نشینی یکی از معضل های شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرم مورد توجه می باشد [7]. در واقع، حاشیه نشینی نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهری یا کلان شهری اقامت دارند و از نظر امکانات و خدماتی به مراتب کمتر و ناچیزتر از شهر مرکزی بهره مند هستند و از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی، تفاوت های آشکاری با آنان دارند؛ بنابر این، تضمین امنیت در حاشیه شهرها یا شهرهای حاشیه ای کلانشهرها دغدغه و عامل مهم در سلامت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی شهرها و به تبع آن، کشور است. جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم سواد، بی سواد، ترک تحصیل، شرارت، نزاع و درگیری و خشونت های مستمر، ضعف بهداشت، اعتیاد، فحشا، معاملات غیرقانونی و در حاشیه بودن حاشیه نشینان را به کج روی سوق می دهند و این مناطق را از لحاظ امنیتی به طور کامل

فعال می سازند. در حاشیه بودن و گسیختگی از نظام اجتماعی پیشین و احساس رهایی از پایش اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می آورند که علاوه بر استعداد قابلیت رشد آسیب های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می شوند. به عقیده آسیب شناسان اجتماعی، همه انواع نابهنجاری های اجتماعی مانند سرقت، قتل، قاچاق، خودکشی، فساد، فحشا، اعتیاد، الکلیسم و نظایر آنها، معلول ناسازگاری های اجتماعی هستند که بر روابط فرد و جامعه حاکم می باشند و در مناطق حاشیه نشین نمود بیشتری دارند. حاشیه نشینی نمودی از آسیب های و انحراف ها اجتماعی است. بی شک حاشیه نشینی با بزهکاری و ارتکاب جرم ارتباطی نزدیک دارد. طبق تحقیق های انجام شده، هم فرهنگ فقر و هم میزان بزهکاری و جرم در مناطق حاشیه نشین ایران بالا هستند و ارتباط معنادار و مستقیمی میان آنها وجود دارد. کمبودهای متعدد در مناطق حاشیه نشین در همه زمینه ها موجب می شوند تا آنها از طریق همبستگی گروهی مضاعف، بسیاری از کارکردهایی را که جامعه شهری قادر به برآورده کردنشان نیست، خود مرتفع سازند [9]. مقاومت این گروه ها جهت کسب معاش از طریق غیرقانونی، به پیدایش باندهایی منجر می شود که انواع فعالیت های غیرقانونی را به شکل شبکه ای در هم تنیده بدل می سازند، از سویی دیگر، وجود جامعه ای از نارضایتی ها بین قشرهای حاشیه نشین، در سطح اجتماعی به شکل آشوب ها و شورش های جمعی بروز می کنند و چنان رفتاری هنگامی که به شخصیتی در افراد بدل شود، وندالیسم و آسیب های اجتماعی مربوط به آن پدید می آیند و گروه هایی را شکل می بخشند که تنها راه اصلاح هر چیز را از بیخ و بن کشیدن آن می دانند. در چنین شرایطی، جوانان حاشیه نشین هرچه بیشتر خود را با این چنین باورهایی وفق دهند و جامعه پذیر می شوند، چرا که حامی دیگری غیر از آنان برای باورها و نگرش های خود ندارند [10].

اسکان غیررسمی

اسکان غیررسمی تاکنون در ایران با نام های مختلفی به کار برده شده است به ویژه حاشیه نشینی، زاغه نشینی، مسکن نابهنجار، اسکان خود انگیخته، اسکان خودجوش، گود نشینی، خیمه نشینی، خرابه نشینی و بیروله نشینی در زیر به چند تعریف ارائه شده از این پدیده می پردازیم. محلات زاغه نشین آخرین چاره بازماندگان است و در تلاش بیمان برای به دست آوردن مزایای شهری، این محلات از نظر مدرسه، شغل، جمع آوری زباله، روشنایی معابر خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به طور دسته جمعی فراهم می شود نیز بازنده هستند. محله زاغه نشین محله ای است که جمعیت آن نمی تواند در روند رقابت برای خدمات و پیشینه تحقیق کالاهای عمومی به نحو مؤثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه توزیع این خدمات و کالاهای ندارد. طی دهه های اخیر به تدریج محلات نابسامان و سکونتگاه های غیررسمی، به طور عمده در حاشیه شهرهای بزرگ کشور، خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته است. این محلات خودرو یا حاشیه نشین، به بیان درست تر اسکان غیررسمی نامیده شده اند و کارکرد اصلی آنها تأمین زمین و الگوی ساخت متناسب با توان مالی گروه های کم درآمد اغلب مهاجر است. اینگونه سکونتگاه ها که سیمای نازیبا، خدمات ناکافی و ساکنان کم توان و مشاغل نامطمئن دارند، محیطی آماده برای پذیرش نابهنجاری های اجتماعی و باز تولید فقر فراهم می سازند و خطرپذیری بالایی در برابر سوانح طبیعی دارند [11].

امنیت اجتماعی

اصطلاح امنیت اجتماعی نخستین بار توسط باری بوزان به کار گرفته شد و اساساً بر حول محور هویت و تهدیدات هویتی می چرخید. بوزان معتقد بود که بقا و دوام هر جامعه منوط به حفظ هویت آن جامعه می باشد و هر عاملی که بتواند هویت اجتماعی افراد را به چالش بکشد، به عنوان تهدید امنیت اجتماعی محسوب می شود. ارائه تعریفی از خود بوزان در این مورد مفید به نظر می رسد: «امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است» [9]. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران امنیت اجتماعی محصول و برساخته اجتماعی است. در رویکردهای نوین از امنیت اجتماعی سخن به میان می آید و نشان دهنده شکل گیری آن در بطن جامعه و روابط ساختاری و غیرساختاری حاکم بر آن می باشد. این یک تحول مفهومی از امنیت می باشد، زیرا سال ها بر رویکردهای سفت و سخت در ایجاد امنیت تأکید می شد و برقراری امنیت را صرفاً حاصل فعالیت های قهر آمیز پلیسی در سطح جامعه می دانستند. جهت تفکیک دقیق تر و ارائه بحث منسجم تر از امنیت اجتماعی در راستای این کار تحقیقی به رویکردهایی که درباره آن وجود دارد اشاره خواهیم کرد. در

مورد امنیت اجتماعی دو رهیافت کلی وجود دارد، رهیافت هویت محور و قدرت محور. رهیافت قدرت محور (رویکرد سلبی) به جای تأکید بر هویت، به صیانت مردم در مقابل تهدیدات زبان بخش و مخاطره نیفتادن حقوق انسانی توجه دارد، این رهیافت پوزیتیویستی است. بنابراین امنیت اجتماعی شامل دو بخش است که در عین حال مکمل یکدیگرند، ولی از تقدم زمانی برخوردارند، در واقع امنیت اجتماعی در وهله اول باید زندگی افراد را تضمین نموده و خطراتی که امکان زندگی اعضای یک جامعه را به مخاطره می اندازد، از میان ببرد و در وهله دوم کمر به حفظ راه و روش زندگی آنها ببندد [12].

امنیت اجتماعی و سکونتگاه های غیررسمی

دورکیم از جمله نظریه پردازانی است که در مورد حالت های گذار از جوامع مکانیکی به ارگانیکی و به هم ریختن نظم اجتماعی قبلی در این جوامع بحث نموده است. آنچه که از گفته های دورکیم به ویژه کتاب «تقسیم کار» برداشت می شود، از دست رفتن هنجارهای مشروعیت بخش گذشته در جوامع در حال گذار و عدم جایگزینی آنها با هنجارهای جایگزین است. به عبارت بهتر، «فقدان کدهای اخلاقی» تهدیدی برای ثبات و امنیت اجتماعی جوامع است. رابرت مرتن در مورد عوامل ناامن کننده جوامع نه به فقدان کدهای هنجار بخش در جوامع، بلکه به «عدم تناسب هنجاری» اشاره می نماید (عدم تناسب هنجاری به وضوح در سکونتگاه های غیررسمی قابل رؤیت است). از نظر او آنومی و بروز رفتارهای ناامن کننده جامعه وقتی است که هنجارهای اجتماعی (همان ابزارها در نظریه مرتن) برای دستیابی به اهداف (ارزش ها) تشویق شده توسط جامعه کارایی ندارند. مدل «سیستم بلوک های مرتب» لی و همکارانش نیز از جهت تبیین ناامنی اجتماعی و به ویژه در سکونتگاههای فقیرنشین شهری نیز حائز اهمیت بسیاری است [10]. «سیستم بلوک های مرتب» از سه بلوک تشکیل شده است که هر بلوک نتیجه بلوک قبلی و اثرگذار بر بلوک بعدی است. بلوک اول «پایگاه اجتماعی- اقتصادی» نامیده می شود و نشانگر محرومیت مطلق و نسبی افراد و نیز ناسازگاری منزلتی آنها در این بلوک است. بلوک دوم «بی ثباتی اجتماعی» است که با ناخشنودی، بی اعتمادی و بدبینی مشخص می شود. بلوک سوم نیز «واکنش سیستم» است که شکل گیری رفتارهای آنومیک و ناامن شدن جامعه در همین بلوک قرار دارد که خود نتیجه بلوک های قبلی است. نظریه های دورکیم، مرتن و لی به دلیل توصیف دقیق از شرایط ناامن کننده در جوامع به ویژه در مورد مناطق حاشیه نشین شهری، کارایی زیادی دارند. به این دلیل که حاشیه نشینان شهری از ابعاد مختلف زندگی یعنی کالبدی (مسکن ناهنجار و فضاهای نامناسب شهری)، خدمات اجتماعی و فرهنگی (رفتار اجتماعی جدا از جامعه شهری) و اقتصادی (اشتغال و درآمد) متمایز می شوند. نبود وسایل کارکردی در جهت دستیابی به اهداف زمینه را برای انتخاب وسایل غیر مشروع و غیرقانونی در میان این افراد فراهم می کند و اتخاذ هر سیاستی برای پایه گذاری امنیت اجتماعی در این سکونتگاه ها بایستی برآورده کردن نیازهای پایه ای و وسایل کارکردی برای دستیابی به اهداف را در نظر داشته باشد. حاشیه نشینی در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به دنبال دارد. حاشیه نشینی پدیده های درهم تنیده و پیچیده از مسائل اجتماعی است که ناکارآمدی اقتصادی بخشی از آن است و صورت های مخرب تری همچون تنش های هویتی- فرهنگی را در بر می گیرد. همانطور که صدیق سروستانی (۱۳۷۶) بیان می دارد: «حاشیه نشین به دو نظام فرهنگی (روستایی و شهری) وابسته است و در عین حال به هیچ یک تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی منجر می شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب های اجتماعی، سبب». اختلال در نظم و امنیت عمومی می شود. علاوه بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اسکان غیررسمی را می توان مشمول استبداد فضا دانست، زیرا در اسکان غیررسمی نه تنها شرایط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی، بلکه شرایط موجود جغرافیایی یا فضا مانع دستیابی ساکنان به حقوق اجتماعی، فعالیت های متنوع اقتصادی، تحصیلات مناسب و غیره می شود. در مجموع می توان بیان کرد که حیات حاشیه نشینان در حوزه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی آمیخته با ناکارآمدی است که زمینه را برای شکل گیری رفتارهای نابهنجار و ناامن شدن جامعه فراهم می کند. خروج از چرخه های فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر اجتماعی و فقر فضایی به یک راهکار جامع و مشارکتی نیازمند است. حرکت تدریجی برای خروج از چرخه های مذکور، بر امنیت اجتماعی که محصول همین چرخه ها است، تاثیرات قابل توجهی خواهد گذاشت [13]. براساس بررسی های صورت گرفته در زمینه معنی، ابعاد و ماهیت

امنیت در ساختار اجتماعی، بدون وجود یک نگرش مبتنی بر تحلیل جامعه و فضا از امنیت مشخص نمی‌شود و امکان دستیابی به معنا و نظریه ای بومی از امنیت در جامعه وجود نخواهد داشت. از این منظر امنیت فرایندی اجتماعی ارزیابی می‌گردد که متناسب با تحول متن آن، تغییر می‌یابد و امنیت را بدون منظری اجتماعی نمی‌توان درک کرد. همچنین به تبع تحولات متن امنیت، امری نسبی و پیوسته در حال تحول می‌باشد. بنابراین کشف رابطه موجود بین «رویکرد امنیت» با «فضای اجتماعی» در جامعه شهری مورد تأکید می‌باشد [14].

جدول شماره (۱): گروه بندی دیدگاه‌ها و نظریات در عرصه پیدایش و ساماندهی مسائل حاشیه نشینی (اسکان غیررسمی)

رویکرد اصلی	نظریات وابسته	وجوه و مشخصه‌های بارز و مورد تأکید نظریات
نظریات مسئله‌گر	نظریات اکولوژیکی شهری سازمان و قدرت گرایان نظریات این دو گرایش	- تقلیل مسئله حاشیه نشینی یا اسکان به حد یک عارضه شهری - نتیجه کارکرد غلط و ناقص برنامه ریزان و مدیران شهری - نادیده گرفتن ریشه ها و بنیاد های مؤثر در خلق حاشیه نشینی - اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی صرفاً یک پدیده طبیعی و عادی شهری می‌باشد. - حاشیه نشینی نتیجه ستیز طبقاتی برای مسکن و زمین و سکونت در جامعه است. - تأکید بر عامل جدایی‌گزینی اجتماعی و تأثیر گروه‌ها مرجع - اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی با حذف، پاکسازی، جمع‌آوری و اقدامات فیزیکی قابل رفع است. - این دیدگاه بیشتر در کشورهای غربی قابل تعمیم است (تحلیل جدایی‌گزینی های مذهبی، نژادی و نظایر آن) - توجه به نتایج جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی و مشکلات بعدی از برتری های این نظریات است.
نظریات بنیادگرا	ساخت گرایان نظریات وابستگی نظریه شهر جهانی نظریه اقتصاد سیاسی نوسازی	- حاشیه نشینی بازتاب ساز و کارهای نظام سرمایه داری جهانی است. - اسکان غیررسمی حاشیه نشینی نتیجه نظام مرکز پیرامون می‌باشد. - این نظریات ریشه ها، بنیاد ها و عوامل اصلی شکل‌گیری حاشیه نشینی یا اسکان غیررسمی را توضیح می‌دهند. - وجود ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جوامع جهان سوم با شکل‌گیری سکونت های غیررسمی - الگوی شهر نشینی، روند شهرنشینی، الگوی توسعه، اصلاحات کلان سیاسی، اقتصادی، نظام سرزمینی و نظام سکونت، تبیین‌کننده علت، نحوه و مراحل شکل‌گیری اسکان غیررسمی است. - تأکید بر اصلاح نظام سیاسی، اقتصاد سیاسی، رویکرد برنامه اول کشور، تقویت مشارکت، رویکرد به توسعه پایدار و در کل حواله بهبود و رفع معضل حاشیه نشینی را به اصلاح نظام سیاسی ملی و بین‌المللی از سایر نکات عمده این دیدگاه ها است. - تبیین صحیح نقاط عقب ماندگی، تحلیل ساختاری تفاوت نظام شهر نشینی جهان سوم با کشورهای پیشرفته، آگاه سازی جامعه به فراست تغییرات بنیادین در اقتصاد سیاسی، کالبد شکافی عوامل توانمندی نظام‌های مدیریت شهری در تأمین زیر بناها و بهبود شرایط از نکات قوت آن است.

- در نظریات با علل و عوامل دخیل در پیدایش اسکان غیررسمی کاری ندارند. - اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی و تبعات ناشی از آن نظیر امنیت و فقر را به عنوان یک واقعیت شهری می پذیرند. - بر مبنای این نظریات اسکان تغییرات بنیادین و فوری در کلیه شئون جامعه برای بهبود و برون رفت از وضعیت نابسامان اسکان های غیررسمی وجود ندارد. - با واقع بینی فوق بایستی راهکارها و راه حل های خود جوش، واقع بینانه، دافع مسائل، مبتنی بر واقعیات و قدم به قدم را در پیش رو گرفت. - سکونتگاه های خودرو نوعی پاسخ به مسئله مسکن و کار در مناطق کلان شهری هستند. - این پاسخ در چارچوب توانها، مقتضیات و خواسته های مردم فقیر معنا یافته و شکل فضایی-کالبدی متناسب خود را یافته است. - ارائه ندادن پاسخ بنیادین، همیشگی و نهایی به حل معضل اسکان غیررسمی و گیر افتادن در چرخه اقدامات مقطعی و موضعی ایراد این نظریات است - ارائه طرح های توانمند سازی، بهسازی کیفیت محیط، نهادینه ساختن مؤلفه های امنیت، تأمین مسکن ارزان قیمت در کنار راهکارهای بنیادین حل مسئله توفیق دائمی این نظریات را تایید می کند.	کارکرد گرایان شهرسازی مشارکتی اهمیت نهادینه شده نظریه توانمند سازی	نظریات هدف گرا
---	---	----------------------------------

فقر شهری، سکونتگاه های غیررسمی و امنیت شهری

فقر در هر جا، تهدیدی برای همه در پیوند با مسأله امنیت و ارتباط آن با سکونتگاه های فقیرنشین این نکته دارای اهمیت است که فقر در هر جا تهدیدی برای همه جا است. فقر پدیده فراگیری است که روند روز افزون گسترش آن و بدل شدن آن به یکی از مشخصه های اصلی شهرهای بزرگ در بسیاری از کشورها، برآینده مبهم این شهرها سایه افکنده است و یکی از عوامل اصلی ناپایداری شهری و برهم زنده امنیت شهری شناخته می شود. در سال ۲۰۰۱ «توماس فریدمان» در نیویورک تایمز نوشت: «در جهانی با تعامل فزاینده، نادیده گرفتن مشکلات مردمی که در محلات نامناسب زندگی می کنند غیرممکن است، شما اگر به دیدار محله بدی نرفته اید، محله بد به دیدار شما خواهد آمد». به چنین برداشتی کما بیش از سوی بسیاری از پژوهشگران شهری در مورد ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و رابطه متقابل عدالت و برابری با امنیت اجتماعی و توسعه شهر کاهش نابرابری و ارتقای امنیت اجتماعی نشان داده شده است [13]. در مجموع آمار و ارقام از بدتر شدن شرایط فقر در سرتاسر جهان حکایت دارد و هرچه بیشتر فقر آینده جوامع را با چالش مواجه کرده است. نقش فقر و نابرابری های میان مناطق و کشورها اساس بسیاری از اختلافات و جنگ هاست، و تجربه چند دهه اخیر به خوبی ثابت کرده است که فقر در هر جا تهدیدی برای همه است. این امر چه در ابعاد جهانی، چه منطقه ای و چه شهری قابل بحث و تعمیم است. بسیار ساده انگارانه است که در جهانی با تعامل و ارتباط فزاینده امروزی، در مشکل فقر در بخشی از شهر، کشور یا حتی جهان را مختص و مربوط به همان بخش دانست. همواره در جامعه شهری شکاف عمیق تر می شود و به مرور تعداد زیادی از فقرا به حاشیه شهرها رانده می شوند و در آنجا نیز با چرخه ای از مشکلات جدید ناشی از شرایط محلی رو به رو می شوند، که این شرایط روند فقرزایی را در میان آنان تشدید می کند؛ در این شرایط فقرا به نحو نابرابری از نبود مراقبت های بهداشتی، مدرسه، فرصت های شغلی، غذا، حمل و نقل، آموزش (کارآموزی)، مسکن مناسب، امنیت، اطلاعات و دسترسی به عدالت رنج می برند. واقعیت این است که نتایج و پیامد های این نابرابری تنها برای فقرا نیست بلکه شامل کل شهر است؛ کاهش امنیت شهری بارزترین نتیجه این نابرابری است. شکاف فزاینده میان شمال و جنوب شهرها پیامد های ناگوار برای کل شهر به همراه دارد، انواع سرقت، دزدی، کلاهبرداری، فساد، کودکان خیابانی، خشونت های شهری همه و همه غالباً ریشه در نابرابری و بی عدالتی در شهرها دارند. کافی است برای نتایجی هستند که شاهد مضمون صفحه

حوادث روزنامه‌ها را برای چند روز مرور کنیم تا دامنه وقایعی که بخش اندکی از آن رسانه‌ای می‌شود را بدانیم. روشن است در شهری که مدام نا امنی و زوایای مختلف آن مشغله اصلی ذهنی شهروندان است، شهروند از پرداختن به جنبه‌های اصلی زندگی آرام در خورشان انسانی باز می‌ماند [15].

محلات فقیرنشین و امنیت شهری

امنیت به مفهوم حفاظت جامعه و ارزش‌ها و نهاد‌های آن در برابر تهدیدات داخلی و خارجی و یا تهدیداتی است که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی و شیوه زندگی افراد جامعه را مختل می‌کند و موجودیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. با این توصیف فقر شهری و به طور مشخص سکونتگاه‌های غیررسمی در صورت نبود برنامه مشخص و فراگیر می‌تواند یکی از عوامل بر هم زنده امنیت شهرها به شمار آید. مشکلات و مسائل امنیتی در محلات فقیرنشین جنبه‌ها و اشکال متفاوتی دارد و یک نگرانی دو جانبه از سوی ساکنان این سکونتگاه‌ها و مدیریت شهری به شمار می‌رود. بلایای طبیعی و انسان ساخت، خطر تخلیه اجباری و پاکسازی، بزه و خشونت‌های فردی و سازمان یافته و آشوب و شورش‌ها، هر یک جنبه‌ای از عدم امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی را نشان می‌دهد. شواهد آماری نشان می‌دهد که ارتباط محکم و مستقیمی میان سطح توسعه و امنیت شهری وجود دارد که با میزان بروز فاجعه، جرم و جنایت و خشونت تحلیل می‌شود. امنیت و ایمنی شهری در حالی که یک کالای عمومی هستند. که دولت تأمین کننده آن است، هم زمان کالا‌های خصوصی به شمار می‌روند که توسط افراد و خانوارها مصرف می‌شوند، بنابر این از هر دو جنبه و سطح قابل بحث و بررسی است. واقعیت این است که امنیت بیشتر بر وظیفه دولت درقبال شهروندان و فقرای شهری دلالت دارد و شامل چارچوب قانونی و اجرایی می‌شود که شهروندان از مشکلات و نا امنی درامان بمانند. عوامل مؤثر بر خطر و نا امنی در محلات شهری در سطوح مختلف قابل تحلیل است در سطح جهانی: شرایط اقتصاد جهانی و فرآیند جهانی شدن تأثیر زیادی بر اقتصاد ملی و محلی دارد، بازار جهانی سرمایه، مصرف و الگوی مصرف، گرم شدن محیط جهانی، سیاست‌های جهانی و دو قطبی شدن نیروی کار و شکل‌گیری ساز و کارهای به حاشیه رانده شدن فقرا و گروه‌های کم‌تخصص در فرآیند جهانی تقسیم کار نوین از عوامل اصلی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت محلات فقیرنشین مؤثر بوده است. در سطح ملی وضعیت درآمد افراد و میانگین و سرانه درآمد، سطح رفاه ملی و شرایط اقتصاد کشور به ویژه شرایط اشتغال و تورم، عوامل مهمی در ایجاد و تشدید آسیب پذیری و امنیت در سطح محلات شهری به شمار می‌روند. از سوی دیگر سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است که در هزینه و میزان اهمیت تأمین زیرساخت‌ها، خدمات اجتماعی، پلیس و خدمات اورژانس فوری نقش مهمی را ایفا می‌کند. در سطح محلی نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی جنبه‌های امنیت در سطح شهر و محله تولید و تشدید می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و بزه فردی و یا سازمان یافته عامل اصلی نا امنی در محلات غیررسمی است. در ارتباط با بسیاری از مشکلات سطح محلی، قابل یا غیر قابل دفاع بودن فضا مطرح می‌شود. هم چنین پژوهش‌ها نشان داده است که در بسیاری از کشورها میزان بزهکاری خشونت آمیز در محلات شهری عموماً مرتبط با مسأله مواد مخدر به ویژه تا حد زیادی در ارتباط با محلات کم درآمد‌ها و فعالیت‌های سازمان یافته است [14]. برخی از پژوهش‌ها بر این تأکید دارد که محلات شلوغ حاشیه شهرهای بزرگ مکانی است که فرد و جوان در آن احساس گمنامی می‌کند و بستر مناسبی برای بزهکاری است. همچنین بافت چند قومی، نسبت بالای جمعیت شهر و نرخ بالای رشد جمعیت، کمبود و کیفیت پایین مسکن و زیرساخت‌ها، ساختار شغلی ناپایدار، کم درآمدی، غیررسمی، بیکاری، نارضایتی اجتماعی از خدمات شهری و شرایط زیست در محله، انگ حاشیه نشینی و پایین شهری، مشارکت اندک و عدم تعلق به مکان، از مشکلات این سکونتگاه‌ها بر شمرده شده است. در برخی از این محلات اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر بالاست، نگرانی از آینده فرزندان، دزدی و سرقت، درگیری‌ها و ولگردی و وندالیسم در این محلات قابل مشاهده است. البته سکونتگاه‌های غیررسمی را از نظر ماهیت و روند تکوین و تکامل می‌توان به دو دسته اصلی سکونتگاه‌های در حال بهبود و امیدوارکننده و در حال نزول و ناامید کننده تقسیم کرد. بدون شک این ماهیت متفاوت در وضعیت و شرایط سکونتگاه و تمرکز آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر بسیار مؤثر است. به طوری که سکونتگاه‌های در حال افول و نا امید کننده ممکن است به مکانی برای تمرکز فعالیت‌های نا مطلوب و غالباً نه به مفهوم گرایش همه ساکنان این محلات آسیب‌های اجتماعی بدل گردند. این امر به خلاف و کجروی است، بلکه به مفهوم استعداد محیط غیررسمی این

محلات برای تمرکز بسیاری از مشکلات اجتماعی شهری است. این واقعیتی است که محرومیت اقتصادی و اجتماعی فقیرترین افراد در سکونتگاه‌های غیررسمی به محرومیت هر چه بیشتر آن‌ها از جنبه‌های دیگر می‌انجامد، در نتیجه شهر در تأمین خدمات برای فقرا ناکام می‌شود و هرچه بیشتر به جدایی‌گزینی گروه‌های فقیر منجر می‌شود؛ این جدایی‌گزینی محرومیت مضاعف این گروه‌ها را به همراه دارد. به همین دلیل مفهوم شهر فراگیر مطرح می‌شود که: شهری است که برای همه گروه‌های قومی، نژادی، جنسی و اقتصادی برنامه‌ریزی می‌شود و مسکن کافی و در استطاعت، خدمات پایه در خور، دسترسی برابر به تسهیلات و امکانات رفاهی اجتماعی و فرصت‌ها، کالاهای عمومی که در رفاه عمومی هر فردی تأثیر گذار است (فراگیری اجتماعی). شهر فراگیر حقوق شهروندی و آزادی‌ها، ارتقای مشارکت اجتماعی و سیاسی، برای تصمیم‌سازی مردم سالارانه‌تر را فراهم می‌کند (فراگیری سیاسی)؛ شهر فراگیر توسعه اقتصادی را از راه ایجاد فرصت‌های برابر، فعالیت اقتصادی و دسترسی به اشتغال و سیاست‌ها اقتصادی متوجه به فقرا فراهم می‌کند (فراگیری اقتصادی)؛ شهر فراگیر یکپارچگی اجتماعی را ارتقا می‌بخشد، به حقوق فرهنگی مردم ارزش گذاشته می‌شود، سرمایه انسانی همه گروه‌های اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود، که در آن خلاقیت فردی و فعالیت‌های میراث فرهنگی افزایش می‌یابد (فراگیری فرهنگی) [15].

حاشیه نشینی و آسیب‌های اجتماعی

حاشیه نشینی در اصل همزاد شهرهای امروزی است. هر نقطه شهری که فاقد استانداردهای خدمات و زیر ساخت‌های شهری از جمله مسکن، زیر ساخت‌ها، معابر، خدمات آب، تلفن و فاضلاب باشد، به اصطلاح حاشیه خوانده می‌شود. طبیعی است که ساکنین این نواحی از حقوق شهروندی و از تمامی امکانات زندگی در یک شهر بزرگ محروم می‌مانند. مدل درآمدی بیشتر حاشیه نشینان کاذب یا نابه‌هنجار است. تکدی‌گری، دست‌فروشی، گرایش به اعمال خلاف قانون و... تنها راه‌هایی است که بیشتر آنها برای گذران زندگی به آن متوسل می‌شوند. انطباق و سازگاری در حاشیه شهرها بسیار پایین است و مردمی که از فرهنگ‌های متفاوت و نگرش‌های متفاوت مجبور به زندگی در حاشیه شهرهای بزرگ شده‌اند، اغلب نه با تفاهم بلکه با تخاصم در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و بدیعی است که آنها احساس امنیت را تجربه نمی‌کنند و نمی‌توانند از نظر شغلی، کاری و خانوادگی آرامشی احساس کنند و در ادامه اینکه طبیعی است که خانواده و فرزندان بیشترین آسیب‌ها را در حاشیه شهرها می‌بینند و حتی گاه نمی‌توانند هویت خود را حفظ کنند [14]. کودکان و نوجوانان ساکن این سکونتگاه‌های غیر رسمی اغلب منفعل هستند و نمی‌توانند در مواجهه با مشکلات اعتماد به نفس کافی داشته باشند. آرزوها و امیال سرکوب شده آن‌ها و رسیدن به زندگی ایده‌آل در سراب مهاجرت به شهرهای بزرگ و تمایل به کسب موفقیت‌های یک شبه در ذهن جوانان می‌تواند بسیار خطرناک و منتج به نتایج بسیار منفی شود. پیوند خانوادگی در این خانواده‌های نیز بسیار ضعیف است. از آنجایی که این قشر اغلب کارگر با دستمزدهای بسیار پایین هستند، ناچارند برای کسب درآمد کافی ساعت‌های طولانی کار کنند و به این ترتیب اندک‌اندک و در طول زمان پیوند‌های خانوادگی شان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود و آسیب‌های ناشی از آن گریبانگیر خانواده خواهد شد، گاه حتی کودکان و نوجوانان تبدیل به نیروی کار می‌شوند و پدیده کودکان کار و خیابانی که هم‌اکنون در بسیاری از کلان‌شهرها با آن مواجه هستیم در واقع از حاشیه‌شهرها نشأت می‌گیرد. طبیعی است که مشکلات حاشیه نشینان محدود به جمعیت خودشان نمی‌شود و تمام بدنه جامعه را در بر می‌گیرد زیرا جامعه به صورت یک شبکه است و تمامی ابعاد آن به هم مربوط است. به ویژه در کلان‌شهرها این مشکلات دوجندان می‌شود زیرا در کلان‌شهرها انجام وظایف شهروندی توسط تمام شهروندان می‌توان مشکلات را حل کند و به صورت زنجیره وار همه به هم مربوط شوند. حال با نادیده گرفتن جمعیت حاشیه نشین در حومه شهرها در واقع شهر چشم خود را روی دزدی، تکدی‌گری و کلاهبرداری بسته است و این آسیب‌ها در تمامی جامعه تسری پیدا می‌کند. به عبارت دیگر حاشیه نشینی یکی از بسترهای وسیع ناهنجاری‌های گوناگون است که می‌تواند جامعه را با بحران‌های متعددی رو به رو کند افزایش سرقت، قتل، فروش مواد مخدر، دست‌فروشی، زنان خیابانی، کودکان کار و مواردی از این دست در واقع حاصل بی‌توجهی به حاشیه کلان‌شهرها و مدیریت آنهاست. هر چند نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که افزایش حاشیه نشینی بارزترین نشانه فقر در جوامع است و هر قدر فقر بیشتر شود زنگ خطر جرائم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن بیشتر می‌شود. گسترش روز افزون زاغه نشینی و اسکان غیر رسمی به عنوان بارزترین نماد فقر شهری

کشورهای در حال توسعه که بدنبال تحولات ساختاری و بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی همچون رشد جمعیت، رشد شهرنشینی و مهاجرت های روستایی لجام گسیخته در شهرهای مختلف جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه نمایان شده است، دستاورد فرآیند جهانی شدن پس از جنگ جهانی دوم محسوب می شود [15]. امروزه با توجه به شهری شدن آینده جهان این پدیده به عنوان چالشی جدی فراروی این کشورها قرار گرفته است و پایداری جهانی را از ابعاد مختلف با محالات و ناممکن هایی مواجه ساخته است. آمارها نشان می دهد بخش عمده ای از جرائم و آسیب های اجتماعی شهرها با محلات حاشیه نشین در ارتباط است و ضریب امنیت اجتماعی پایینی را داراست. حال این سوال پیش می آید که چه عواملی باعث تشدید آسیب های اجتماعی در محلات حاشیه نشین می شود؟ گرچه امروزه حاشیه ها راجزی از شهرها می دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده اند ولی حاشیه ها اغلب دارای فرهنگ ناباوروری هستند و همچنان به مناطق جرم خیز و مشکل زا تبدیل می شوند. مناطقی که به گفته برخی جامعه شناسان، فرهنگ فقر یا فقر منطقه ای مشخصه اصلی این مناطق است و جرم و جنایت که زاییده این فرهنگ است، نه تنها تهدیدی علیه ساکنین خود بشمار می رود، بلکه نگرانی ساکنین شهرها را نیز برانگیخته است و امنیت اجتماعی را از هر نظر تهدید می کند. با توجه به رشد حاشیه نشینی و کمرنگ شدن مرز حد فاصلی میان شهرها و حاشیه ها از یک سو و افزایش ناامنی در این مناطق از سوی دیگر، این سوال مطرح می شود که اولاً چه عواملی در وقوع جرائم و نهایتاً پایین بودن امنیت اجتماعی در این مناطق دخیل است و ثانیاً از چه طرقی می توان به حذف نقاط حاشیه نشین و بالا بردن ضریب امنیت اجتماعی اقدام نمود. توسعه شهری در معنای عام آن، بر اثر بازتاب فضای اسکان غیر رسمی، ناپایدار شده است [16]. بنابراین نه می توان به امید حل خود به خودی این مساله آن را رها کرد و نه با برخورد مقطعی، گزینشی و پراکنده کاری در « اینجا و آنجا» پاسخگوی آن بود. همچنین این احتمال نیز وجود دارد که مداخله های نسنجیده خود شوقی برای گسترش مساله باشد و در نتیجه به دنباله وی از اتفاقات و نه هدایت و کنترل آنها ختم شود. پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی گویای وجود موانع ساختاری و خدمات رسانی لازم مرتبط با آن برای اقشار کم درآمد شهری در سطح کلان است، که حوادث غیر مترقبه منجر به جابجایی های ناگهانی جمعیت (مانند جنگ و خشکسالی) نیز آن را حادث می سازد. همچنین در سطح خرد نیز، ضعف مدیریت شهری (به ویژه در هدایت، نظارت و کنترل)، وجود منافع نامشروع گروه های ذی نفع و ذی نفوذ محلی و برخوردهای غیر قانونمند در پذیرش یا رد این سکونت گاه ها، مساله را تشدید کرده است. واقعیت این است که انتقال ناگهانی بسیاری از ساکنان سکونت گاه های غیر رسمی از شیوه معیشت سنتی و رسمی روستایی به معیشت نامشخص و نوینی که تمهیدات لازم و متناسب شهرنشینی، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، فراهم نیست، آنها را به سکونت گاه های ناپایداری کشانده است که به منظور جای پا یافتن در شهر و به امید طی دوره گذار، انتخاب شده اند. علاوه بر این، مساله بلامتکلیفی بسیاری از این سکونت گاه ها از نظر قانون (ساکنان را دائم در خطر تخریب، تخلیه و تعرض رسمی نگاه می دارد) موجب احساس ناامیدی و عدم امنیت خانوارها و مانع تلاش، مشارکت اجتماعی و همبستگی آنها با جامعه شهری است. امری که پیامدهای نامطلوب فرهنگی (حتی برای نسل های آتی آنها و محیط های مجاور) در بردارد. از طرف دیگر همچنانکه گفته شد در بسیاری شهرها به خصوص شهرهای بزرگ مجرمان شهری برای فرار از قانون به حاشیه ها پناه می برند که این خود بر شدت ناامنی و احساس عدم امنیت ساکنان می افزاید. بنابر پیش بینی سازمان ملل شهرهای جهان باید طی ۱۵ سال آینده برای ۶۷۰ میلیون نفر خانه بسازند، که هزینه آن بالغ بر ۲۹۴ میلیارد دلار خواهد بود، که مبلغی بس هنگفت است اما با تدابیر سازمان های بین المللی و کشورها می توان آن را تامین کرد، اما مشکل فراتر از پول است. معضل و مشکل اصلی که باعث بوجود آوردن تاثیرات منفی از لحاظ روانی بر ساکنان حاشیه ها گشته و در تشدید ناامنی و بروز جرائم نقش بسزایی دارد این است که حاشیه نشینان توسط دولت ها، سیاستمداران، رسانه ها و حتی بیشتر افراد جامعه مورد اغفال و بی احترامی قرار می گیرند، که این خود زمینه بروز جرائم و ناامنی توسط مجرمان را فراهم ساخته و بر ساکنان از لحاظ روانی اثرات منفی می گذارد. رشد حاشیه نشینی در کشور ما بخصوص در کلان شهرها تهدید جدی برای امنیت اجتماعی بشمار می رود. چرا که در این مناطق به جهت عدم نظارت و کنترل اجتماعی به راحتی انواع بزهکاری ها و کژ رفتاری ها و آسیب هایی را شاهد هستیم که در نتیجه همه این عوامل دست به دست هم می دهند و امنیت اجتماعی را تهدید می نمایند. همچنین در مناطق حاشیه نشین با توجه به فقر جمعیت، فقر فرصت تحصیل و مطالعه و

کلاً فقر فرهنگی، رشد استعدادها و توانمندی هارا از افراد سلب می نماید و موجب اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ می شود که از علل عمده پریشانی خانواده ها و بزهکاری در فرزندان است [15].

علل گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری اجتماعی در مناطق حاشیه نشین

منظور از گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی نوعی آمادگی ذهنی و روانی در عدم پیروی از قواعد و مقررات اجتماعی و ابراز احساس دشمنی نسبت به محیط پیرامون است. نتایج تحقیقات انجام شده بیانگر آن است که گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی در حال حاضر متأثر از عواملی چون وضعیت آنومیک فردی، سطح تحصیلات، رضایت سیاسی، اثربخشی مسئولان در حل مسایل افراد و... است. تراکم بالای جمعیت، سطح پایین تحصیلات و نوع غالب کسب درآمد در حاشیه نشین ها می توانند عامل تشویق کننده های برای ایجاد اختلال اجتماعی باشند. سابقه شهرک ها، مجتمع های مسکونی و مهاجران به این اماکن، حکایت از آن دارد که این مکان ها فاقد یک هویت اجتماعی- فرهنگی مستقل هستند، در نتیجه در این مکان ها حامیانی برای حفظ ارزش ها و هنجارها وجود ندارد و از هر نقطه ای به این نقاط مهاجرت صورت می گیرد و کمتر با مقاومت اجتماعی و فرهنگی رو روبرو شوند، حاشیه نشینان که قربانی طرد اجتماعی هستند در مقابل تمام اصول و هنجارهای اجتماعی غالب موضع گیری می کنند. تعارض اجتماعی و طبقاتی حاشیه نشینان و بالاخص فرزندان این طبقه پایین شهری با طبقات متوسط و بالای شهر در شدیدترین حالت خود موجب شکل گیری خرده فرهنگ های جوانان منحرف و بزهکار می شود [16]. فرهنگ این خرده های بزهکارانه معمولاً مردانه هستند و به قتل و غارت، رفتارهای وندالیستی^۸، اعتیاد، سرقت، خشونت های خیابانی، همکاری باگروه های تبهکاری بزرگسالان، فحشا و قانون شکنی می پردازند و در مواقعی نیز در راستای اهدافشان از زنان جوان طبقه خود استفاده می کنند. در اغلب مواقع برخورد پلیس و جامعه با این گروه ها به گونه ای است که به نهادینه شدن و تعمیق این تعارض های اجتماعی منجر می شود. حاشیه نشینان در نظام اجتماعی شهر به طور کامل ادغام نشده اند و از اینرو، به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی شوند یا لاقل خود چنین احساسی دارند. همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگی های حاشیه نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارت شغلی، مانع مشارکت توسعه ای مردم این مناطق می شود [16].

نظریات و دیدگاه های تبیین کننده ارتباط حاشیه نشینی با جرم و ناامنی

نظریه فقر فرهنگی و فرهنگ فقر: فرد حاشیه نشین دارای پاره فرهنگ خاص خود است که معمولاً به آن پاره فرهنگ منطقه ای می گویند که بر اساس تنوع شخصیت و مناطق مختلف کشور، قابل تشخیص است. این پاره فرهنگ ها در تضاد با فرهنگ گروه های هم زیست، احساس بی قدرتی و انزوای اجتماعی می کنند و کارایی واقعی خود را از دست می دهند. از پیامدهای آن احساس بی لیاقتی، ناشایستگی، بی کفایتی، نبود کاردانی و در کل، احساس عجز و ناتوانی است. اینگونه احساس در کنار احساس متکی بودن به دیگران، خود را کم شمردن، احساس ناتوانی در فروخوردن خشم، میل به گوشه گیری، نسبت دادن عدم موفقیت خود به قضا و قدر و مردسالاری شدید، از ویژگی های روانی و شخصیتی حاشیه نشینان هستند که از یک سو خرده فرهنگ فقر را شکل می دهند و از سوی دیگر، انحراف های اجتماعی.

نظریه آنومی دورکیم:^۹ آنومی یا نابسامانی عبارت است از شرایط به هم ریخته و درهمی که در آن شرایط هنجارهای اجتماعی ضعیف می شوند، از بین می روند و یا در تضاد با همدیگر قرار می گیرند. به دلیل مهاجرت گروه ها و اقوام مختلف به شهرها و از بین رفتن هنجارهای گذشته و عدم جایگزینی آنها با هنجارهای جدید، نوعی به هم ریختگی به وجود آمده است که در نتیجه آنها مردم بدون خطوط راهنمای اخلاقی روشن، رها شده اند. به این ترتیب، افرادی که در نابسامانی رها شده اند فاقد قواعدی برای رفتار می باشند [17].

^۸ تخریب گرایی یا وندالیسم (به فرانسوی: Vandalisme) به معنای تخریب کنترل نشده اشیا و آثار فرهنگی بارزش یا اموال عمومی است که یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می آید و دلایل متعددی برای آن عنوان می کنند. وندالیسم را در زمره انحرافات و بزه کاری های جوامع جدید دسته بندی می کنند و آن را عکس العملی خصمانه و واکنشی کینه توزانه نسبت به برخی از فشارها، تحمیلات، ناملایمات، اجحاف ها و شکست ها تحلیل می کنند

^۹ Anomie Durkheim

نظریه مرتن^{۱۰}: انحراف نتیجه فشار اجتماع است و در شرایطی رخ می دهد که نظام اجتماعی با عدم تعادل مواجه است. دیدگاه فرهنگ گرایان: این دسته از افراد معتقدند که رفتارهای انحرافی در طبقات پایین جامعه، خرده فرهنگ این طبقات است و انحراف مانند هم نوایی آموخته می شود؛ یعنی، از طریق ارتباط متقابل فرا گرفته می شود. نظریه پایش (کنترل)، این نظریه رفتارهای انحرافی را نتیجه نارسایی پایش اجتماعی می داند و زمانی روی می دهد که ارتباط میان فرد و جامعه از هم گسسته باشد.

مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی: بر اساس این نظریه، شرایط فرهنگی اجتماعی محیط اطراف است که زمینه را برای بروز جرم و بزه فراهم می آورد. همچنان که هر میکروبی در محیط خاصی رشد می کند، بنابر این، محیط های نامساعد اجتماعی و فرهنگی افرادی بزهکار و مجرم را پرورش می دهند. اندیشمندان معتقدند که رفتارهای انسان آینه ای از روابط اجتماعی و محیط زندگی هستند. انسان اعمال خوب و بد را از محیط کسب می کند. یک فضای شهری مناسب تاحد زیادی تأمین کننده امنیت اجتماعی و فضاهای شهری نامناسب از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب و معضل های اجتماعی است. خصوصیات برخی فضاهای شهری (حاشیه ها) به گونه ای است که زمینه ترس و ناامنی بیشتر را فراهم می آورند. دیدگاه جاکوبز: جاکوبز در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» به مسئله امنیت و عوامل فضایی کالبدی بازدارنده امنیت اشاره می نماید. وی اظهار می کند که آرامش و امنیت فضای شهری در ابتدا توسط پلیس به وجود نمی آید و این روابط اجتماعی بین مردم و وجود استاندارد های زندگی هستند که تأمین کننده امنیت می باشند.

دیدگاه نیومن^{۱۱}: اسکار نیومن نیز در کتاب «مردم و طراحی در شهر پرخشونت»، نظریه فضاهای قابل دفاع و غیرقابل دفاع را مطرح می کند. وی فضاهای غیرقابل دفاع را فضاهای ناامنی می داند که به کسی تعلق ندارد و بر حفظ و نگهداری آن نظارتی نمی شود و درمقابل دیدگان عمومی نیز قرار ندارند.

نظریه شیشه شکسته: جیمز کیو ویلسون و جورج کلینیک معتقدند محله هایی که در آنها نشانه هایی از بی توجهی و خرابی نظیر تلمبار شدن زباله، تجمع بی سرپناهان، نمای بیرونی ناموزون ساختمان ها مانند شیشه های شکسته وجود دارد، امکان دسترسی مجرم مهیاست، حاکی از آن است که ساکنان آن محله احساس آسیب پذیری بیشتری دارند و قصد دارند از حضور، مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار بکشند و عدم وجود امنیت را تداعی می کنند.

رهیافت فرصت: تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزهکار و بزه دیده جرم واقع نمی شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز مهیا باشد. این رهیافت به قلمرو و مکان جرم تأکید دارد و برخی موقعیت ها و مکان ها را برای وقوع جرم مستعدتر می داند، چون فرصت های بیشتری را برای وقوع جرم مهیا می کنند.

نظریه ارتباط توسعه و امنیت: در حال حاضر، توسعه برای تمامی جوامع و دولت های آنها یک هدف مهم به شمار می رود؛ توسعه ای هماهنگ که از دید اقتصادی کارا و سود آور باشد و مانع از تمرکز سرمایه در یک منطقه و رشد ناهمگون جامعه گردد، زیرا توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه های پویایی اقتصاد و گام مهمی در پایداری توسعه است. این درحالی می باشد که در کشورهای در حال توسعه، جایی که از آن به عنوان جهان حسرت ها یاد می شود. برنامه های توسعه به خوبی اجرا نگردیده و تفاوت ها و نابرابری ها فاحش در زمینه درآمد، تولید و سطح برخورداری از خدمات عمومی بین نواحی مختلف از مشخصه های اصلی ساختمان اقتصادی و اجتماعی آنهاست. توسعه و امنیت، تأثیر متقابلی برهم دارند، به گونه ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیر مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می گذارد و برعکس و مناطق دارای شاخص های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته تر برخوردارند. بنابر این، مناطق حاشیه ای که از شاخص های توسعه بی بهره هستند یا بهره اندکی دارند، بالقوه ناامن و آسیبزا هستند [18].

¹⁰ Robert K. Merton¹¹ Newman

نتیجه گیری

گسترده‌ی اسکان غیررسمی یکی از بحران‌های شهری ایران است که بسیاری دیگر از حوزه‌های حیات شهری به ویژه امنیت اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کاستی‌های کالبدی و خدماتی اغلب نواحی ناامنی هستند. این ناامنی خود به فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کاستی‌های کالبدی و خدماتی دامن می‌زند. خروج از این چرخه معیوب از طریق سیاست‌های تخریب و جابجایی، که به سرمایه‌های مادی و معنوی ساکنان زیان قابل توجهی می‌رساند، ممکن نیست. امروزه، امنیت سرمایه‌ای ارزشمند در ارزیابی کیفیت زندگی مردم است؛ به طوریکه در هرم سلسله مراتبی نیازهای ما زلو نیز بلافاصله پس از نیازهای اولیه انسان مطرح می‌شود؛ از اینرو، ارگان‌های مختلفی در شهرها برای ارتقای سطوح امنیت شهروندان تلاش می‌کنند. با وجود این، پیشگیری از وقوع جرائم در شهرها مقوله‌ای چند بعدی است و از عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی تأثیر می‌پذیرد. مسئله ناامنی و بزهکاری در محلات شهری را می‌توان عامل بسترساز در فرایند فرسودگی و نزول کیفیت سکونتگاه‌ها، و نتیجه سطح پایین کیفیت آنها دانست. در این میان، سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از کانون‌های اصلی بروز جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرها به شمار می‌آیند و با سطح نازلی از کیفیت محیطی مواجه هستند. باید توجه داشت که امنیت محیط نه تنها از جرائم و ناهنجاری‌های رفتاری خدشه دار می‌شود، گاهی به سبب به تصویرکشیدن محیطی ناآشنا و پرتنش در ذهن فرد، موجب ناامنی می‌شود. حاشیه نشینی، بحران کنونی و آینده شهرهای ایران می‌باشد که همه حوزه‌های حیات شهری به ویژه امنیت اجتماعی را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شهرها به دلیل تمرکز و حجم گسترده مسائل و مشکلاتی که در آنها وجود دارد، استعداد بالقوه‌ای برای ناامن کردن شهرها دارند. تا سال‌ها موضع گیری در قبال این سکونتگاه‌ها به ویژه در موضوع امنیت اجتماعی با سیاست‌هایی همچون تخریب و جابه جایی به دیگر نقاط شهری همراه بوده است. این سیاست‌های عقیم و شکست خورده نه تنها کمکی به موضوع امنیت اجتماعی به شکل خاص در این سکونتگاه‌ها و به شکل عام در همه نقاط شهری ننمود، بلکه با قطع سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی قبلی این ساکنین بر بحران ناامنی می‌افزود. در طی سال‌های اخیر اتخاذ رویکرد توانمندسازی در این سکونتگاه‌ها به جای رویکردهای قبلی، طلیعه درخشانی در سیاستگذاری‌ها و برنامه ریزی شهری محسوب می‌شود. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان یک پارادایم جدید مطرح است که در عرصه‌های جهانی نسبت به سایر رویکردها موفقیت و اقبال به مراتب بیشتری را کسب نموده است. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی با اثرگذاری بر روی شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی-فضایی به بنیان نهادن شرایط امنیت اجتماعی کمک می‌نماید، واقعیت امر آن است که حیات حاشیه نشینان از ابعاد چهارگانه فوق الذکر با کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایی همراه است که شرایط را برای ناامن کردن جامعه فراهم می‌نماید. هر اندازه تغییر در هر کدام از حوزه‌های مذکور با تأثیرهای مضاعف بر روی شاخص‌های امنیت اجتماعی همراه می‌گردد. در زمینه‌های مختلف می‌توان راهکارها و پیشنهادات زیر را در جهت رفع موانع ارائه خدمات انتظامی و امنیتی در مدیریت شهری ارائه داد؛

- ایجاد مدیریت (واحد جامع) شهری جهت کنترل ساخت و سازها و عملکرد موازی سازمانهای ذیربط در مدیریت شهری؛
- همکاری و هماهنگی سازمانهای ذیربط در مدیریت شهری با نیروی انتظامی، در جهت درجریان قراردادن از وضع شهرک سازیها، ساخت آپارتمانها و برجهای در محدوده تحت پوشش کلانتریها؛
- استفاده از تجارب مثبت کشورهای پیشرفته در این (زمینه پلیس) می‌تواند راهگشای بعضی از مشکلات باشد؛
- تدوین قوانین و لوایح مرتب با ساماندهی ورعایت حاشیه نشینی در پیرامون کلانشهرها.
- ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطاء برخی امکانات و تسهیلات.
- سلامت معابر و گذرگاه‌ها در این مناطق جهت امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی.
- ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر.
- شناسایی ارادل و اوباش و مجرمان سابقه دار این مناطق و تحت کنترل قرار دادن آنان.
- تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب
- زیباسازی ظواهر ساختمان‌ها و بناهای موجود.

- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم برای پر کردن اوقات فراغت ساکنان مناطق حاشیه نشین.
- بازرسی و نظارت کافی کارشناسان بهداشت و محیط زیست.
- جلب ساکنان و ایجاد مشارکت مردمی در مناطق حاشیه نشین.
- برنامه ریزی برای ایجاد اشتغال در این مناطق.
- سیاست تمرکززدایی و توزیع منطقی فعالیت های اقتصادی در مناطق مختلف و مساعد کشور.
- ارتقاء سطح زندگی در روستاها از طریق برنامه های اقتصادی و رفاه اجتماعی سبب کاهش تفاوت سطح زندگی شهری و روستایی در نتیجه کاهش شدت جریان مهاجرت های روستا-شهری.
- احداث صنایع کوچ و مناسب در سکونتگاه های روستایی جهت درآمد بیشتر و ایجاد تسهیلات رفاهی زندگی نظیر بهداشت، درمان و شرایط زیست محیطی سالم.
- توزیع عادلانه درآمد بین اقشار مختلف مردم اعم از شهر و روستا.
- ارتقاء فرهنگ حاشیه نشینان از طریق برنامه ریزی اجتماعی.
- آموزش فنون و مهارت های فنی لازم برای به دست آوردن مشاغل مناسب و دائمی.
- ایجاد تسهیلات بانکی مناسب در راستای با بردن قدرت تولیدی و بهبود اقتصاد این مناطق.
- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان و به کارگیری مشارکت آنها در اقدامات بهسازی منطقه.
- ایجاد امنیت برای ساکنین محله از طریق افزایش نیروهای پلیس و نظارت کامل
- استقرار مکان های تفریحی اعم از سینما، تئاتر، مجتمع های فرهنگی و ... در مجاورت این مناطق.
- ایجاد شوراهای محلی در داخل محلات شهری و توجه بیشتر به گروه های کم درآمد مخروبه های شهر به منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی.

منابع و مراجع

- [۱] بمانیان، م. ر، ۱۳۸۸، امنیت و طراحی شهری، چاپ اول، انتشارات طحان.
- [۲] کارگر، ب، سرور، ر، ۱۳۹۰، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- [۳] ربانی، ر، افشار کهن، ج، ۱۳۸۳، شهرنشینی و امنیت: تحقق در عوامل و شرایط موثر بر امنیت در شهرها (مطالعه موردی: شهر جدید بهارستان)، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد دوم، ۱۹۹-۱۸۰.
- [۴] صرافی، م، ۱۳۸۱، به سوی تدیون راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۹ و ۱۰، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی.
- [۵] احدنژاد، م، علیپور، س، ۱۳۹۲، بررسی روند مداخله در مناطق اسکان غیررسمی با تأکید بر سیاست تخریب و بهسازی، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره ۱۴، صص ۲۱-۴۰.
- [۶] احمدی، ح، ایمان، م. ت، ۱۳۸۴، فرهن فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۲۰۱۰، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۹۹-۱۱۸.
- [۷] ایراندوست، ک، ۱۳۹۱، فقر، سکونتگاههای غیررسمی و امنیت شهری، فصلنامه رهنما سیاستگذاری، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۸۱.
- [8] UN-HABITAT, (2005), "Slams of the World: the face of Urban Poverty in the New Millennium". <http://www.unhabitat. and Policy>", Edited by R. P. Pama et al, Vol .III, 1977.org
- [۹] محسنی تبریزی، ع. ر، قهرمانی، س، یاهک، س، ۱۳۹۰، فضاهای بی دفاع شهری و خشونت، مطالعه موردی: فضاهای بی دفاع شهر تهران، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۴، صص ۵۱-۷۰.
- [۱۰] ابراهیمی، م، مسگریان، ع، ۱۳۸۷، آسیب شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرایم: در مناطق اقبالیه، پویبندر و خیرآباد قزوین، اصلاح و تربیت، شماره ۷۸، مهرماه.
- [۱۱] باقری، الف، ۱۳۸۵، حاشیه نشینی و رابطه آن با جرم و جنایت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره های ۴ و ۵.
- [۱۲] بهرامی، ر، ۱۳۸۸، عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی: مطالعه موردی شهر سمنندج، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۶، تابستان.
- [۱۳] کرامتی، م، ۱۳۸۴، بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان شهرستانهای استان تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
- [14] Westaway, M. S. (2006), "ALongitudinal Investigation of Satisfaction withPersonal and Environmental Quality of life in anInformal South African Housing Settlement", Doornkop, Soweto. Habitat International, vol 30: 1750189.
- [۱۵] کلاهیچیان، م، ۱۳۸۴، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران: انتشارات گلپونه.
- [۱۶] محمدی، پ، ۱۳۸۸، حاشیه های جرم خیز: بررسی وضعیت شیوع جرایم و آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین، روزنامه جام جم، شماره ۱۶، ۲۷۲۸، آذرماه، ص ۱۱.
- [۱۷] داداشی، س، پهلوان، ر، ۱۳۹۱، بررسی میزان نقش احساس امنیت و ایمنی در ایجاد بحران هویت شهری در سکونتگاه های غیررسمی شهرهای بزرگ، اولین همایش ملی مدیریت بحران شهری با چشم انداز افق ۱۴۰۴.
- [۱۸] کارگر، ب، ۱۳۸۶، حاشیه نشینی و امنیت شهری، فصلنامه جغرافیا نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران) دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵